

راهکارهای تربیتی فقرزدایی در نهج البلاغه

الهام عزیزی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، حوزه علمیه الزهرا (س) شهرستان صحنه، استان کرمانشاه

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه

چکیده

از قدیم الایام یکی از مهم ترین دغدغه های بشر، تأمین رفاه افراد جامعه و از بین بردن فقر بوده است؛ اما به علت هایی مانند ستمگری ها و بی عدالتی های حاکمان ثروت اندوز هرگز محقق نمی شد. با ظهور اسلام این دغدغه جدی تر شد. آیات و روایات بسیاری مؤید این ادعاست. پژوهش حاضر که با روش کتابخانه ای و رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، برای مقابله با فقر چه راهکارهای تربیتی برای رهایی از فقر ارائه کرده اند؟ مطالعات انجام شده نشان می دهد که بیانات و اقدامات حضرت علیه السلام در این زمینه، غالباً ناظر بر روشی تربیتی و پویای عمومی است که درصدد تربیت احاد جامعه و نهادینه کردن فرهنگ نوع دوستی مسئولیت پذیری اجتماعی برای مقابله با فقر است که با تلاش قشر ضعیف، مسئولیت پذیری و همیاری ثروتمندان و عدالت حاکمان، در قالب معیارهای اخلاقی، انسان مداری و آخرت گرایی امکان پذیر خواهد بود. اگرچه گروه های مورد خطاب حضرت علیه السلام تمام نوع بشر است؛ اما ایشان به طور اخص «فقرا»، «ثروتمندان» و «مدیران حکومتی» را مخاطب قرار داده و برای هرکدام وظایف خاصی را مشخص کرده اند.

واژه های کلیدی: نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام، راه کار تربیتی، فقر، فقرزدایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع و حکومت‌های مختلف بهبود وضعیت معیشت مردم و ریشه کن کردن فقر در جامعه است. مسئله فقر و نابرابری اقتصادی، پیشینه‌ای به درازای عمر بشر دارد که موجب ناهنجاری‌های متعددی در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و زمینه انحرافات و مشکلاتی است به جرائم بزرگ ختم می‌شود. در متون دینی نیز، بیانات بسیاری در زمینه خطرات و تبعات فقر مطرح شده است؛ از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» عاملی اصلی کفر و نابودی ایمان معرفی می‌کند.^۱

نهج البلاغه یکی از منابعی است که به طور خاص، به مقابله با فقر پرداخته است؛ زیرا هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به حکومت رسیده بود بر اثر دور شدن از تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین دلایلی مانند گرایش به دنیا، مال اندوزی، پرداخت نکردن حقوق الهی کفران نعمت، نداشتن تقوا و ... اوضاع جامعه دگرگون شده بود و فاصله‌های طبقاتی زیادی ایجاد شده بود بر همین اساس، یکی از دغدغه‌های اساسی حضرت امیر علیه السلام در دوران کوتاه حکومتش، رفع فقر و نابرابری در جامعه بود که با استفاده از راهکارهای مختلفی، دست کم در کوفه توانست امکانات اساسی را برای عموم مردم تهیه کند.

در زمینه فقر و مباحث مرتبط با آن در نهج البلاغه پژوهش‌های مختلفی انجام شده است؛ اما آنچه با این پژوهش ارتباط بیشتری دارد عبارتند از: مقاله «سیره اقتصادی امام علیه السلام» اثر احمد یوسفی (۱۳۸۹) که در مجله ی مطالعات تفسیری چاپ شده است. پایان نامه کارشناسی ارشد «عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه های مقابله با آن در نهج البلاغه» اثر لیلا حسینی‌نیا (۱۳۹۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد «روش شناسی محرومیت‌زدایی در سیره اقتصادی امام علی علیه السلام» اثر سمانه محمدی (۱۳۹۲)، مقاله «علل و آثار فقر از دیدگاه امام علی علیه السلام» اثر سید علیاء محمدی که در مجله کیهان فرهنگی سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. مقاله ی «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» نوشته ی محمد مولایی (۱۳۹۲) که در مجله ی پژوهشنامه ی نهج البلاغه چاپ شده است. البته مقاله حاضر، بیشتر به بعد تربیتی راه-های فقرزدایی نظر دارد در واقع سیستم تربیتی اقتصادی حاکم بر نهج البلاغه را بررسی می کند و در موضوع، روش و اهداف با آثار یاد شده متفاوت است.

حال با توجه به مشکلات معیشتی حاد، فقر و بی‌عدالتی شدیدی که امروزه دامن‌گیر جوامع شده است، برای ساماندهی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها می‌توان از راهکارهای تربیتی نهج البلاغه یاری جست. البته لازمه این کار، نهادینه کردن سیستم اقتصادی امیرالمؤمنین علیه السلام در نظام تربیتی و فرهنگی جوامع است که حضرت علیه السلام در نهج البلاغه با

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

رویکردی تربیتی و تبلیغی به فقرزایی می پردازد و با توصیه های اخلاقی و تربیتی، زمامداران را به ساده زیستی و همسویی با فقرا فرامی خواند تا موجب آرامش طبقه فقیر جامعه شود و فقرا را دعوت به توکل و تلاش می کند و از طرفی صدقه دادن را موجب افزایش روزی می داند.

بنابراین از آن جا که بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام محدود به زمان خاصی نیست و برای تربیت تمام جوامع در همه ی زمان ها بیان شده، ضرورت دارد این موضوع با دقت بیشتری بررسی شود تا سیستم تربیت اقتصادی نهج البلاغه در مقابله با فقر کشف شود و به عنوان یک الگوی صحیح و برتر اقتصادی استفاده گردد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه برای مقابله با فقر چه گروه هایی را مورد خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی چه راهکارهایی برای رهایی از فقر ارائه کرده اند؟

۱. مفهوم شناسی

هنگام بحث در مورد فقرزدایی ابتدا لازم است، واژه مورد بحث و واژگان مرتبط شناسایی شوند؛ و به شرح معانی هر یک پرداخته شوند با این کار به مخاطب فرصت داده می شود با وسعت نظر به مطالب بنگرد.

در نهج البلاغه از انواع مختلف و معانی گوناگون فقر سخن به میان رفته است. که می توان به فقر اقتصادی، فقر مالی، فقر روحی، فقر علم و آگاهی، فقر فرهنگی اشاره ای داشت فقر در این پژوهش به معنای نداری در مقابل ثروت به کار می رود.^۲ فقر در لغت به معنی تهی دستی، تنگ دستی، درویشی.^۳ فقر یکی از شوم ترین مصائبی است که علاوه بر مختل کردن زندگی فردی فقرا، اجتماع بشری را با معضلات جدی مواجه ساخته است؛ زیرا آثار آن منحصر به زندگی گروه خاصی نیست، بلکه عواقب آن با مسائلی همچون هنجارشکنی، سرقت، قتل و غارت، وقوع جرم و ناامنی و ... در جامعه پدیدار می شود.^۴ با توجه به اهمیت خاص این موضوع، ایجاب می کند که با تمسک به نهج البلاغه، روش های فقرزدایی از جامعه کشف و بیان شود.

۲. بیانات نهج البلاغه خطاب به فقرا

در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فقرا را مستقیماً خطاب قرار نداده است؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه ها، نامه ها و حکمت ها با بیاناتی غیرمستقیم که بیشتر ناظر بر تربیت فقرا در شرایط سخت است، درصدد

- حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۲۷۸-۳۸۸

- معین، فرهنگ معین، ص ۱۸۰۵ و دشتی، فرهنگ صبا، ص ۳۷۱

- اسفندیاری، فقر و انحرافات اجتماعی؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۱، ص ۸۲

سامان بخشیدن به زندگی آنان و مبارزه با فقر بوده‌اند. راهکارهای فقرزدایی حضرت علیه السلام خطاب به فقرا شامل مباحث زیر می‌شود:

۱-۲. توکل به خداوند و اعتقاد به رزاقیت او

در آیات متعدد^۵ بر توکل به خداوند تصریح شده است، امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز توکل بر خداوند را یک راهکار معرفی کرده و ضمن اشاره به اینکه خداوند بخشنده انواع نعمت‌ها و تقسیم کننده روزی پدیده‌ها است، می‌فرماید: «... مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ ... هرکس به خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می‌کند»^۶. کفایت کننده، یکی از صفات خداوند است و به اعتبار آنکه به هرکدام از مخلوقاتش آنچه از منفعت و دفع ضرر عطا می‌کند که استحقاق آن را داشته باشند، او را کفایت کننده می‌گویند.^۷

در مورد قوت خداوند در روزی‌رسانی آمده است که: «وَقِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ سَدَّ عَلَيَّ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِهِ وَ تَرَكَ فِيهِ مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ. از امام پرسیدند اگر در خانه مردی را به رویش بستند، روزی او از کجا خواهد آمد؟ فرمود: از همان جایی که مرگ او می‌آید.»^۸

شهید مطهری درباره توکل می‌فرماید: توکل به معنی آن نیست که در گوشه‌ای بنشیند و بگوید خدایا تو بیا درستش کن! این که توکل نیست تنبلی است. انسان مسئولیتش را برعهده می‌گیرد و وظیفه خود را انجام می‌دهد و سرنوشت را به خداوند واگذار می‌کند در چنین شرایطی اگر انسان خودش را برای خدا خالص و مخلص کند عنایت خدا را در زندگی لمس می‌کند.^۹ پس می‌توان گفت در نظام تربیتی نهج البلاغه، توکل بر خداوند و اعتقاد داشتن به روز رسانی او، نقش تربیتی مهمی در زندگی انسان، به ویژه فقرا دارد و راهکاری است که سبب می‌شود انسان در شرایط نامناسب مالی، ارزش و کرامت خود را حفظ کند و با تکیه و اعتماد به خداوند از غیر او بی‌نیاز گردد.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- مائده / ۲۳ و آل عمران / ۱۲۲ و الأحزاب / ۳ و عنکبوت / ۵۹

- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۰ و خطبه‌ی ۶۸۳

- بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۵۰۰

- نهج البلاغه، خطبه ۳۵۶

- مطهری، خدا در زندگی انسان، ص ۹۴

۲-۲. تاکید بر کار و تلاش

در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فقرا را مستقیماً خطاب قرار نداده است؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه ۶ها «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^{۱۱} به صراحت بیان داشته است که برای انسان چیزی نیست، جز آنچه با سعی به دست آورده^{۱۱}

از آنجا که هدف کلی تربیت اسلامی، ساخت انسان سالم، کامل و کارآمد است. به این منظور کار، تلاش برای تأمین معاش از عوامل مهم در حفظ سلامت جسمانی و روانی انسان و ضامن پیشگیری از بیماری های جسمی، روحی و اخلاقی خواهد بود و از طرفی، راهکاری تربیتی محسوب می شود که بسیاری از صفات نیک را در انسان پرورش می دهد.

از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام کار، تولید و تأمین هزینه های زندگی را یکی از اصلی ترین برنامه های روزانه ی زندگی می داند و می فرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ ...، وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ الْمُؤْمِنُ بَايَدِ شَبَانَةٍ رَوْزِ خُودِ رَا بَه سَه قَسْمَتِ تَقْسِيمِ كَنْد ... که یکی از این سه، کسب حلال برای تأمین معاش است.» زیرا چیزی ارزشمندتر از عمر نیست و انسان باید آن را طوری تنظیم کند که بتواند از راه مشروع، مایحتاج خود را فراهم آورد به امکانات مادی برسد و شخصیت خویش را نیز در برابر دیگران حفظ کند.

در کتاب نهج البلاغه علاوه بر آنکه ضمانت روزی را متذکر می شود، ولی با این حال لزوم توجه به کار و تلاش را به همگان یادآور می شود: «قَدْ تَكْفَلُ تَكْم بِالرِّزْقِ وَ أَمْرُتُمْ بِالْعَمَلِ؛ خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و تلاش امر فرموده.»^{۱۳}

۲-۳. قناعت

قناعت به معنای سیر بودن چشم و دل از مظاهر دنیا و پرهیز از فزون خواهی است، از والاترین کمالات انسانی است که تضمین کننده ی آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است و نبود آن، آرامش را از زندگی می رباید.^{۱۴} قناعت کردن یکی از

۱۱- نجم / ۳۶۹

۱۲- طبرسی، جوامع الجامع، ج ۴، ص ۱۱۰۲

۱۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹۰

۱۴- همان، خطبه ۱۳۶۴

۱۵- حسین زاده، نقش قناعت در بهره مندی از زندگی، ص ۱۴۱۵

بهترین راهکارهای تربیتی مقابله با فقر است. داشتن این روحیه، به منزله‌ی ثروت پایان‌ناپذیری است که انسان را از تمام ثروت‌های دنیا بی‌نیاز می‌سازد و موجب می‌شود انسان همواره با عزت زندگی کند و نیازمند دیگران نباشد.^{۱۵}

اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام سجاد علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد.^{۱۶}

در حدیث قدسی آمده است که خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام می‌فرماید: «وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقِنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ: مَنْ بِي نِيَاظِي رَا فِي قِنَاعَتِ نِهَادِهَام، اَمَا مَرْدَمِ اَن رَا فِي فِرَاوَانِي مَالِ مِي جُوِيْنِد اَز اِيْن رُو نَمِي يَابَنْدَش.»^{۱۷}

امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید ویژه‌ای بر قناعت‌ورزی برای جلوگیری از فقر دارد و در بیان ارزش قناعت می‌فرماید: «القنَاعَةُ الْكَنْزُ لَا يَنْفَدُ»^{۱۸} قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد» ایشان میانه‌روی را مانع تهیدستی می‌دانند؛ زیرا هنگامی که برای فرد یا جامعه، مشکل مالی پیدا می‌شود که برنامه و حساب دقیقی برای هزینه‌ها و نیازهای خود در نظر نگیرد.^{۲۰} پس اگر فرهنگ قناعت در جامعه رواج پیدا کند، حرص و طمع کاهش پیدا کرده و مشکلات اقتصادی به حداقل می‌رسند. و این یکی از بهترین جلوه‌های تربیت اقتصادی است.

۲-۴. انفاق و صدقه

همان گونه که با کوتاه کردن شاخه‌های درختان رشد بیشتری کرده و ثمره‌ی بیشتری می‌دهند، درخت رزق و روزی انسان نیز، با انفاق و صدقه مستحب یا با پرداخت زکات مال، پربارتر می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «استنزلوا الرزق بالصدقه»^{۲۱} با صدقه دادن، روزی را فرود آورید. افزایش روزی در سایه صدقه و انفاق به مستمندان، یکی از آثار دنیوی احسان است. چنین نیست که میزان رزق آدمی تنها به تلاش اقتصادی او وابسته باشد دادن مال به مستمند، گرچه در ظاهر موجب

۱۵- مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۱۴۵۷.

۱۶- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۳۲.

۱۷- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۴۵۳.

۱۸- نهج البلاغه، حکمت ۵۷ و ۳۴۹ و ۱۴۷۵.

۱۹- همان، حکمت ۱۹۴۰.

۲۰- مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۲۱۰۴۹.

۲۱- حسین زاده، نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی، ص ۲۱۱۱۸.

۲۲- دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷، ص ۲۳۶۹.

کاهش مال است، ولی خداوند همین را سبب وسعت رزق و برکت مال قرار می دهد در سوره ی طلاق آمده است: «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به همین معادله و نقش انفاق مالی در افزایش روزی و جلوگیری از خسران می فرماید: «وَوَحَّصْنَا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ الْأَمْوَالِ تَانِ رَا بَا زَكَاتٍ دَادِن نَگَا دَارِیْد.» در جای دیگر می فرماید: «مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ، يُعْطَى بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ» آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.»

سید رضی در شرح این جمله نهج البلاغه می گوید: یعنی کسی که اندکی از مال خود را در راه خیر انفاق کند، خداوند پاداش بزرگ به او اعطا می کند. مقصود از دست در اینجا یعنی نعمت، نعمت خدا همیشه بیش از نعمت و عطا و احسان بندگان است، چون اصل همه نعمت ها از اوست و به او برمی گردد.^{۲۶}

۳. خطاب به ثروتمندان

امیرالمؤمنین علیه السلام ثروتمندان را یکی از علل ایجاد فقر می داند و در این زمینه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ هَمَانَا خَدَاى سَبْحَانَ رُوزِى فُقَرَاى رَا دَر اَمْوَالِ سَرْمَایَه دَارَانِ قَرَار دَاده اِست، پَس فُقَیْرِى گَرَسَنَه نَمِی مَانَد جَز بَه کَامِیَابِى تَوَانِگَرَان.»

برخی از محورهای اساسی خطاب های امیرالمؤمنین علیه السلام به اغنیاء به شرح زیر است:

۱-۳-۱ اهتمام به امور مسلمین

در روایات متعددی از مسلمانان خواسته شده است که نسبت به گرفتاری دیگر مسلمانان بی-تفاوت نباشند و همت خویش را مصروف حل مشکلات آنان کنند. در برخی از این دسته روایات، این اهتمام و اعتنا به دردها و مشکلات اجتماع، نشانه مسلمانی، و بی اعتنایی دلیل نامسلمانی تلقی شده است. امام صادق علیه السلام از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا

- طلاق/ ۲۳

- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۴۶

- همان، حکمت ۱۳۳۲

- محدثی، درس هایی از نهج البلاغه، ص ۱۳۶

- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۲۸

یُنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِئْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: ^۸هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، از آنان نیست و هر کس فریاد مردی را بشنود که مسلمان را به دادخواهی می خواند و اجابت نکند، مسلمان نیست.»

کلمه «امور مسلمین» که در این گونه روایات به کار رفته است، اطلاق دارد و شامل هرگونه مشکل و گرفتاری می شود؛ بنابراین وجود ظلم، بی عدالتی اجتماعی، مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه، فقر و بیکاری، فساد مدیران و مانند آن همگی داخل در امور مسلمین است. ^{۲۹}

حال به توجه به پیچیده بودن جوامع کنونی به تنهایی حل مشکلات کار دشواری است اما می توان با تشکیل انجمن، هیئت و گروه های خاص عهده دار حل برخی از گرفتاری ها و معضلات جامعه شد که این کار محتاج تدابیر لوین و همیاری جمعی و گروهی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۲۱۶ ضمن ترسیم دوره ای که مشکلات و سختی و ظلم بر جامعه حاکم می شود احاد جامعه را به خیرخواهی و یاری رساندن نسبت به هم دعوت می کند و می فرماید: «... فَهَنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تُعْظَمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ پس، در آن دوره، خیرخواه هم باشید و به یاری یکدیگر در این راه بشتابید.»

۳-۲. شکر نعمت

به طور کلی شکرگزاری تکلیف هر انسانی است؛ اما با توجه به اینکه خداوند به توانگران چنان نعمت داده است که از دیگران بی نیاز هستند، لزوم شکرگزاری از سوی آنان روشن تر می شود. علاوه بر آن از آنجا که فزونی ثروت بدون یاد خداوند باعث انحراف می شود لازم است که شکرگزار باشند تا دچار غفلت نگردند و به نعمت آنان نیز افزوده شود خداوند متعال نیز در آیه «... لئن شکرتم لأزيدنکم ...» شکرگزاری را موجب ازدیاد نعمت معرفی کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام آموزنده ای می فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ [تَعَالَى] فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا؛ فَمَنْ أَدَاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَ مَنْ قَصَرَ فِيهِ خَاطَرَ بَزَوَالِ نِعْمَتِهِ اتَّخَذَهَا فِيهِ حَافِظًا لِنَفْسِهِ» هر کس آن را بپردازد، فزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد.»

یک مسلمان با ثروتی که در اختیار دارد، باید افزون بر برآوردن نیازهای خود، برای پرستاری از درماندگان و کمک به نیازمندان نیز آن را به کار گیرد. او هرگاه این وظیفه را اجرا کرد، حق نعمت خدا را به جا آورده است و شکر نعمت کرده

- کلینی، اصول کافی، کتاب الامان و الکفر، باب اهتمام به امور مسلمین، ح ۵ و ۱، ج ۲، ص ۲۶۳.

- واعظی، جامعه مدنی، جامعه دینی، ص ۱۶۳۴.

- ابراهیم / ۱۲۰

- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۴۴

است. بنابراین شکرگزاری در هنگام رفاه و دارایی، موجب رضایت الهی و ازدیاد نعمت می شود و یکی از مصادیق شکر نعمت، مصروف داشتن آن در راه خداوند متعال، از راه کمک به مستمندان و رفع نیاز فقرا است.

۳-۳. میانه روی در مصرف

پرهیز از اسراف و میانه روی در مصرف از رفتارهای پسندیده ی اقتصادی است که امیرالمؤمنین علیه السلام از فتار پرهیزگاران می داند.^{۳۳} از آثار میانه روی جلوگیری از تهی دستی است. همچنان که حضرت می فرماید: «ما مالَ مَنْ اقْتَصَدَ انْ كِهَ مِیَانِه رُوی كُند تِهی دُست نَمی شُود.»^{۳۴} در مقابل، اسراف در مال به معنای ندانستن ارزش مالی است که باعث نگهداری نفس از ذلت و خواری طلب می شود.^{۳۵} این عمل از نظر عقل و شرع مذموم بوده و خداوند متعال در آیه ی: «وَلَا تُسْلِفُوا إِنَّهُ لَا يَهْدِي الْمُسْلِفِينَ»^{۳۶} صراحت به این نکته اشاره کرده است.

اسراف آثار منفی اقتصادی بسیاری برای افراد و جوامع به دنبال دارد یکی از تبعات آن، رشد فقر در جامعه است در مکتب تربیتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته نیست مصلحان در مصرف اموال و دارایی که در دست دارد آزاد باشد و آن را به هر نحوی برای تأمین لذت های شخصی به کار گیرد بلکه باید با در نظر گرفتن دو اصل؛ توجه به هم نوع و آخرت گرایی، به میانه روی در مصرف پردازد. حضرت در این خصوص می فرماید: «فَدَعِ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ اُمْسِكْ مِنَ الْمَالِ يَقْدِرْ ضَرُورَتَكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ»^{۳۷} از اسراف بپرهیز، و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار، و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست

۴. خطاب به کارگزاران حکومتی

فقرزدایی و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی از مهم ترین وظایف حاکمان جامعه ی اسلامی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به شیوه های مختلفی، مسئولان حکومتی را به توجه به این امر سفارش کرده است؛ از جمله:

- اسحاقی، علی علیه السلام اسوه مهر، ص ۲۷۴

- نهج البلاغه، خطبه ۳۱۹۳

- همان، حکمت ۲۴۴۰

- بیگم آزر می، نفس در اسارت شیطان، ص ۲۴۷

- انعام / ۲۱۶۱

- نهج البلاغه، نامه ۲۲۱

۴-۱. دستور به رعایت ساده زیستی

در نظام مردم سالاری دینی شکوفایی و پویایی ارزش های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی در سایه ساده زیستی رهبران جامعه و عدم دلبستگی آن ها به دنیا حاصل می شود. رهبران جامعه باید بیشتر از دیگران مواظب خطرات دنیاگرایی باشند و زندگی آنان باید در سطح زندگی ضعفا و یا متوسط جامعه اسلامی باشند.^{۳۸}

امام خمینی (رحمه الله) در بیان اوصاف و ویژگی های حاکم اسلامی ضمن اشاره به وضع زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: حاکمی که از طرف خدای تبارک و تعالی تعیین شد از برای امت شخصی بود که وقتی به حکومت رسید، در حال حکومتش زندگی اش از جمعی زندگی امثال ماها و شماها طلاب علوم دینی یا امثال این بقال ها و کاسب ها زندگی او پست تر بود.^{۳۹} زندگی امام خمینی (رحمه الله) که یک انقلاب اسلامی را رهبری نمود - واقعاً در سطح توده های مردم بود و هنگامی که از دنیا رفت، چیزی برای خود نیندوخته بود خانه-ی محقر اجاره ای او در جماران گواه این امر است. سادگی این خانه توجه هر بیننده ای را برمی انگیزد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ [الْحَقِ] الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ: خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشاند.»
از کلام حضرت چند نکته برداشت می شود:

الف) اگر زندگی مسئولان با مردم در یک سطح باشند، محرومان از تنگ دستی خود از نظر روحی رنج نمی برند تا رنجی افزون بر فقر آنان باشد و همین امر تحمل سختی ها را آسان می کند.

ب) این امر مانع بسیاری از چالش های اجتماعی، اعتراضات عمومی و حتی انقلابات می شود که این امور خود هزینه های فراوانی را به حکومت تحمیل می کند.

ج) وقتی مردم مسئولان را از نظر زندگی همانند خود ببینند، احساس تعهد و انس روحی آنان با مسئولان بیشتر شده در جهت رفع مشکلات و پیشرفت کشور تلاش بیشتری می نمایند.

۴-۲. محافظت از بیت المال

در هر عصری، فقر و شکاف طبقاتی، معضلی اجتماعی است که بر اثر بی عدالتی و زیاده خواهی عده ای پدید می آید و موجب مشکلات فراوانی در سطح جامعه می شود در حکومت اسلامی هدف از قبول مسئولیت، امتیازجویی برای خود و نزدیکان نیست،

- پازوکی، مردم سالاری دینی در نهج البلاغه، ص ۳۴۱

- خمینی، صحیفه ی نور، ج ۱، ص ۳۶۶

- نهج البلاغه، خطبه ۴۰۹

بلکه هدف اصلی، خدمت به مسلمین است در حکومت علوی به این امور اهتمام زیادی شده است، برخورد انعطاف‌ناپذیر و پرصلابت آن حضرت با برادرش عقیلی - که امتیازی را از بیت المال تقاضا می‌نمود - نمونه بارزی از دقت آن حضرت به اجرای عدالت و حفظ بیت المال است.

علاوه بر آن نهج البلاغه سرشار است از مواردی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد حفظ بیت المال مسلمین و منابع درآمد‌های عمومی به فرمانداران و کارگزاران خود هشدار می‌دهد^۱ و این همه حاکی از آن است که حاکم در مقابل حقوق مردم و حفظ بیت المال مسلمین مسئولیت سنگینی برعهده دارد؛ اگر حاکمان به قدرت و ثروت بی رغبت باشند گامی در راه اجرای عدالت است، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و آمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد.»^۲

۳-۴. برخورد با خیانت کاران در بیت المال

بیت المال برای بهره‌برداری همگانی و استفاده‌ی عموم مردم است و خیانت در آن سبب ضایع شدن حقوق مردم و برهم خوردن عدالت و موازنه‌ی اقتصادی - اجتماعی می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در مصرف بیت المال بسیار دقیق و سختگیر بود و همواره با نگاهی ارشادی، کارگزاران را نسبت به رعایت امانت موعظه می‌کرد و به انحراف از راه حق هشدار می‌داد. و در برخورد با مفسدان اقتصادی، از سیاست سرکوب‌گرانه‌ای همچون تعیین و اعمال مجازات شدید استفاده می‌کرد و قاطعانه با تمامی مصادیق مفاسد اقتصادی مبارزه می‌نمود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در هیچ شرایطی، حاضر به تقسیم ناعادلانه‌ی بیت المال نبود. به ایشان گفتند که مردم به دنیا دل بسته‌اند و معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنان را جذب می‌کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرف و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند امام علیه السلام فرمود: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره‌ی امت اسلامی که بر آنان ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! هرگز

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۰، نامه ۴۰، نامه ۴۱، نامه ۶۲ و ۱.

۲- دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱، ص ۱۳۵؛

چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود نیز به گونه‌ای مساوی میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جز اموال خداست. امام علیه السلام این گونه کارگزاران را بر اساس تقوای الهی تربیت می‌کرد.

نتیجه گیری

در نهج البلاغه با نگاهی سامان‌دهنده و نظام تربیتی خاص، اعضای جامعه را به عنوان یک پیکر واحدی دانسته شده‌اند که باید میان آن، مسؤولیت‌پذیری، تعاون، همکاری و ایثار حاکم باشد تا به سعادت برسند. در این پژوهش با روش تربیتی و ارائه راهکارهای مؤثر و راهگشا به مقابله با فقر پرداخته شده است. اگرچه در مکتب حضرت امیرالمومنین علیه السلام رفع فقر و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی، وظیفه حاکمان است؛ اما همه افراد جامعه متناسب با جایگاه و توان خود مأمور به جهاد اقتصادی هستند، به طوری که خطاب به فقرا، آنان را به اموری همچون؛ توکل، قناعت، کار و تلاش، صدقه دادن و ... سفارش می‌کند. افراد متمکن جامعه نیز به عنوان اصلی‌ترین عامل فقر و غنا به وظایفی در زمینه انفاق مالی، اهتمام به امور مسلمین و ... توصیه می‌شوند و با رویکرد آخرت‌گرایی تربیت می‌گردند و مسئولان و مدیران حکومتی نیز به این علت که در مدیریت جامعه و تقسیم بیت المال، محافظت از آن نقش مهمی دارند، به صورت مکرر با توصیه‌های اخلاقی، تربیتی و مدیریتی و با ارائه راهکارهای مختلفی برای مقابله با فقر مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ هجدهم، قم، پیام مقدس، ۱۳۹۳ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل، ج ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۳. اسحاقی، حسین، علی علیه السلام اسوه مهر، قم: خادم الرضا، ۱۳۹۰ ش.
۴. اسفندیاری، اسماعیل، «فقر و انحرافات اجتماعی»؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
۵. بحرانی، میثم، شرح نهج البلاغه، ترجمه: قربانعلی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.

۶. بیگم آزرمی، معصومه، نفس در اسارت شیطان، چاپ سوم، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.
۷. پازوکی، علی، مردم سالاری دینی در نهج البلاغه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۸. حسین زاده، علی، «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی»، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۸۹ ش.
۹. حکیمی، محمدرضا و برادران، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. خمینی، روح الله، صحیفه ی نور، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۶۸ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۴، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۸۹ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، چاپ دوم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. محدثی، جواد، درس‌هایی از نهج البلاغه، مشهد، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش - های اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، خدا در زندگی انسان، دبیرخانه بینش مطهر، بی‌جا، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲، تهران، دبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام (شرح نهج البلاغه)، ج ۱۲ و ۱۳، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. واعظی، احمد، جامعه مدنی، جامعه دینی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۸۹ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی